

یادی از دکتر مصطفی مصباح زاده

انتصابی تهران بود. وی هم چنین چند نوبت نامزد نخست‌وزیری هم شد، ولی در این کار بختیار و کامیاب نشد.

من از کلاس درس دکتر مصباح‌زاده، خاطره‌ی بدی ندارم، اما اغلب استادان و دانشجویان دانشکده‌ی حقوق به دلیل اولویت‌ندادن او به حضور برای تدریس و آسان‌گیری‌اش در امتحان از او انتقاد می‌کنند. از جمله دوست فرزانه‌ی ما سیدعبدالحسین طباطبایی (قاضی عالی‌مقام و نماینده‌ی اسبق مجلس) مرا گفت که مرحوم دکتر مصباح‌زاده خود به ایشان اعتراف کرده است که ده سال پیش است که وی کتابی نخوانده است. نیز دوست دیگر ما مجید مهران (از صاحب‌منصبان قدیمی وزارت خارجه) که مقاله‌هایی نیز در این مجله از ایشان چاپ شده است، در حیات استادمان مصباح‌زاده در خاطرات خود از او چنین یاد کرده است:

«استاد دیگر ما... دکتر مصطفی مصباح‌زاده بود. ایشان هنوز در قید حیات هستند... این استاد معمولاً در کلاس درس حاضر نمی‌شد. دو ماه به امتحانات مانده، سر و کلاه پیدا می‌شد و طوطی‌وار چیزی از قانون جزا یاد می‌گرفتیم. گویا نیش این بود که کسی را در امتحان رد نکند. وقتی که امتحانات شفاهی بود، با نگرانی از کسانی که از جلسه‌ی امتحان بیرون می‌آمدند، می‌پرسیدیم: آیا سوال سخت بود؟ چندبار شنیدم که: خیالت، راحت باشد! مصباح‌زاده پرسید: چی بلد هستی؟ من هم جواب دادم: «معاونت در جرم». معلوم است که راه‌حل پیدا شد. همه‌ی ما که پشت در بودیم، همان «معاونت در جرم» را خواندیم و حضور ذهن داشتیم. طبعاً نمره‌ی خوبی گرفتیم. (در **کریبوروهای وزارت خارجه چه خبر؟ خاطرات یک دیپلمات قدیمی**، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰)

به نظر من، ناکامی بزرگ دکتر مصباح‌زاده، عدم اعتنای او به تالیف و تصنیف بلکه به کارهای علمی، مطالعه و تتبع بود. من بیش‌تر بر خودم تاسف می‌خورم که از مطالعه‌ی آثار او محروم مانده‌ام و می‌گویم غریب است که مردی بیش از پنجاه سال در صحنه‌ی دانشگاه، مطبوعات و سیاست باشد، ولی حتی یک کتاب معتبر و ده مقاله‌ی جدی و قابل‌استناد از او به یادگار نمانده باشد. ح.ا. ■

□ دکتر مصطفی مصباح‌زاده (۱۲۸۸-۱۳۷۵) استاد درس «حقوق جزای اختصاصی» ما در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و صاحب امتیاز و مدیر مسوول روزنامه‌ی **کیهان** بود. مادرش از سادات اخوی، پدرش از چهره‌های سرشناس جنوب کشور و همسرش از خانواده‌های معتبر فارس بودند. وی تحصیلات عالی‌ه‌ی خود را در بیروت و پاریس گذراند و در ۱۳۱۵ پس از اتمام دوره‌ی دکتری حقوق جزا از فرانسه به ایران آمد و در دادگستری به قضاوت پرداخت. پس از شهریور ۱۳۲۰ به روزنامه‌نگاری روی آورد و در خرداد ۱۳۲۱ روزنامه‌ی **کیهان** را - در برابر روزنامه‌ی **اطلاعات** عباس مسعودی - تاسیس کرد. همکاری مصباح‌زاده با عبدالرحمان فرامرزی در روزنامه‌ی **کیهان** شروع شد و در طول ادوار مختلف مجلس شورای ملی ادامه یافت. مصباح‌زاده در دوره‌های پانزدهم، شانزدهم و هفدهم از بندرعباس به نمایندگی انتخاب شد. در ۱۳۲۶ چون قوام السلطنه در افتتاح مجلس، تعلل می‌کرد، روزنامه‌ی **کیهان** سرمقاله‌ی نوشت که «مسلم است که مجلس قدرت شخص [خوانید نخست‌وزیر مقتدری مثل قوام‌السلطنه] را محدود می‌کند، اگرچه در انتخاباتش تقلب شده باشد، پس با وضع فعلی، وجود مجلس بهتر از عدم آن است».

مصباح‌زاده در نهضت ملی کردن صنعت نفت، بیشتر به طرفداری نهضت ملی و زمام‌داری زنده‌یاد دکتر مصدق متمایل بود و از جمله در سفر دکتر مصدق به شورای امنیت سازمان ملل در مهر ۱۳۳۱ با هزینه‌ی مصدق (همراه عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی **اطلاعات**) به نیویورک رفت. در مجلس هفدهم وی در رسیدگی به پرونده‌های انتخاباتی مخبر شعبه‌ی پنجم بود و در آذر ۱۳۳۱ هم که جمال امامی و دکتر بقایی در مجلس علیه دولت مصدق، سخنرانی‌های تند و تیز کرده بودند، پشتیبانی خود را (همراه دیگر نمایندگان ملی) از دکتر مصدق کتباً اعلام کرد.

یکی از کارهای ارزنده‌ی دکتر مصباح‌زاده تاسیس «دانشکده‌ی علوم ارتباطات» بود که در تربیت کارشناسان و دست‌اندرکاران رسانه‌ها در سطح کشور تاثیر چشم‌گیر داشت. دکتر مصباح‌زاده، در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ که در دانشگاه تهران، به ما حقوق جزا درس می‌گفت، سناتور

حفاظت از محیط کوهستانی

مریم امین

(فارغ‌التحصیل روابط بین‌الملل از دانشگاه ناتینگهام - لندن)

در شماره‌ی ۴۲ نشریه‌ی داخلی **حافظ** مربوط به تیرماه ۱۳۸۶ مطلبی تحت عنوان «حفاظت محیط کوهستانی و روز ملی دماوند در رینه» منتشر کرده بودید که بسیار به‌جا و مناسب بود. خواهشمندم به هم‌وطنان کوهنورد ایرانی، اطلاع دهید که در ژانویه‌ی ۲۰۰۳ مجمع عمومی عادی سازمان ملل متحد در نیویورک، روز ۱۱ دسامبر (مطابق ۲۰ آذر) را روز کوهستان تعیین کرده است. لذا به عقیده‌ی من تا جایی که امکان داشته باشد، بهتر است که روز کوهستان / دماوند در ایران هم عیناً مطابق با روز بین‌المللی کوهستان باشد تا عملاً به گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و مشارکت با دیگر ملل جهان بیش‌تر احترام بگذاریم. عقیده‌ی من آن است که داشتن جشن‌های طبیعی اگر در سرتاسر جهان در یک روز برگزار گردد، ارزش بیش‌تری در جهت صلح و صفا در خانواده‌ی بشری خواهد داشت. دوست‌تان دارم. والسلام